

سالار عزیزپور

کوتاه سرایی های عاشقانه

سپیده

آنگاه که سپیده درخشید

و ترکانید

نازک آرای پرده شبِ هماغوشی را

دینا بر سرم سپید شد

معراج

از پله های پلکانت

فراز آمدم

تا به محراب دو ابرویت

شبِ معراجِ دو چشمان ترا سجده کنم

نفرین عشق

پری کوچک دریا

عروس ماهی ها

بلوغ دولت عشق تو سر فرازم کرد

و پشت کوچه بن بست را در آبگینه شکست

وما به یاوه تردید  
حماسه می گفتیم  
و بر دروغ بزرگ سلام می کردیم  
و عشق را نفرین

## صبح بخیر

سلام  
صبح به خیر  
هنوز که هست شو است  
معشوق من ستاده و یاران من خو است  
معشوق من ستاره ی شبتاب شب نورد  
گلبانگ عشق  
دخت پریراد ماتو است



معراج

از پله های پیکانت

فرار اندم

بانه محراب دو ابرویت

شب معراج دو چشمان مرا بجزد کنم

سالاد عزیز نور

آرت. شوال